

از ایتالیا تا اسپانیا، فاصله‌گیری اروپا از رژیم صهیونیستی آغاز شده است؟

اشغالگران در انزوای جهانی

گزارش

افکار عمومی در کشورهای اروپایی به شدت نسبت به مسأله فلسطین و جنایات رژیم اسرائیل حساسیت پیدا کرده است. با روشن شدن ابعاد ماهیت آپارتاید رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر، به ویژه نسل‌کشی آشکار اشغالگران علیه مردم مظلوم و تحت اشغال غزه در فلسطین، تظاهرات‌های گسترده‌ای در سراسر اروپا برگزار شد که نشان‌دهنده تغییرات عمیق در نگرش مردم نسبت به این موضوع بود. این تحولات نه تنها صدای شهروندان را به گوش سیاستمداران رساند، بلکه به تدریج آنها را وادار کرد تا به اهمیت این مسأله پی ببرند. در حال حاضر بسیاری از سران اروپایی خواستار اقداماتی جدی‌تر علیه رژیم اسرائیل هستند. در تازه‌ترین اقدام آلمان، ایرلند، اسپانیا و اسلونی که از سرسخت‌ترین حامیان مسأله فلسطین در اروپا هستند، خواستار بررسی چهارجوب توافق‌نامه شراکت این رژیم با اتحادیه اروپا شده‌اند.

درخواست کشورهای اروپایی برای بررسی تعهدات نسبت به رژیم صهیونیستی در چهارجوب توافق‌نامه شراکتش با اتحادیه اروپا قرار است در نشست روز سه‌شنبه وزرای خارجه اتحادیه اروپا مطرح شود. وزرای خارجه این سه کشور در نامه‌ای به کاپا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نوشته‌اند: «اتحادیه اروپا دیگر نمی‌تواند در حاشیه‌بماند» و در آن به شرایط «غیرقابل تحمل» در غزه و افزایش خشونت علیه فلسطینی‌ها در کرانه‌باختری اشاره کرده‌اند.

در این باره گاردین گزارش داده است اگرچه تحریم‌ها علیه شهرک‌نشینان صهیونیست بیشتر به عنوان اقدامی نمادین تلقی می‌شود، اما تصویب این تحریم‌ها می‌تواند اعتماد به نفس لازم را برای بررسی اقدامات گسترده‌تر (از جمله تعلیق بخش‌هایی از توافقی که روابط میان اتحادیه اروپا و رژیم اشغالگران را شکل می‌دهد) افزایش دهد.

اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری اسرائیل و منبعی حیاتی برای تأمین مالی پژوهش‌ها از طریق برنامه چند میلیارد یورویی «هورایزن» است؛ با این حال، تاکنون نتوانسته است این قدرت اقتصادی را به نفوذ سیاسی قابل توجه برای فشار به این رژیم یابی تبدیل کند.

مارتین کونچنی، مدیر پروژه خاورمیانه اروپا در بروکسل در همین رابطه گفت: «اکنون بحث درباره اعمال فشار دوباره بر این رژیم اهمیت یافته است و اگر یک گام بردارد و وضعیت

بهبود پیدا نکند، فشار برای برداشتن گام بعدی خیلی سریع‌تر پیش خواهد رفت،» که در همین راستا، هفته‌گذشته بیش از ۳۹ نفر از سفیران و مقامات ارشد اتحادیه اروپا از این نهاد خواستند که توافق‌نامه شراکت میان اتحادیه اروپا و رژیم اسرائیل را به‌طور کامل یا جزئی تعلیق کند. در میان امضاکنندگان این درخواست، نام‌های برجسته‌ای از جمله جوزپ بورل مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا، هانس بلیکس‌وزیر خارجه پیشین سوئد و مارگوت والس‌تروم معاون پیشین کمیسیون اروپا، دیده می‌شود.

یک دادخواست عمومی که همین خواسته را مطرح می‌کند، از مرز یک میلیون امضا در میان ۲۷ کشور عضو عبور کرده و به گفته حامیانش، سریع‌ترین دادخواست در حال رشد در نوع خود بوده است. با این حال تعلیق کامل توافق شراکت میان نیازمند حمایت آلمان است، زیرا این تصمیم باید با اکثریت واجد شرایط تصویب شود؛ یعنی دست‌کم ۱۵ کشور عضو که ۶۵ درصد جمعیت اتحادیه اروپا را نمایندگی کنند.

تلاش برای متوقف کردن بخش‌های تجاری این توافق در سپتامبر گذشته در واکنش به فاجعه انسانی در غزه، به حد نصاب نرسید.

تغییر موازنه به ضرر اسرائیل

هفته گذشته برای اسرائیل در اروپا هفته‌ای بد بود. رژیم صهیونیستی نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای خود یعنی ویکتور اوربان در مجارستان را از دست داد. این تغییر احتمالاً

زمینه را برای اعمال تحریم‌هایی فراهم می‌کند که مدت‌ها به تعویق افتاده بود؛ تحریم‌هایی علیه شهرک‌نشینان در کرانه باختری اشغالی و همچنین فشار گسترده‌تر بر اتحادیه اروپا برای بازنگری در روابط خود با اسرائیل به دلیل جنگ در غزه و لبنان. مایا سیون، مدرس انجمن اروپایی دانشگاه عبری اورشلیم در همین باره گفت: «وتوی مجارستان تنها چیزی بود که مانع بسته تحریم‌ها علیه شهرک‌نشینان می‌شد.» او افزود: «انتظار دارم به محض اینکه دولت جدید تشکیل شود، این یکی از اولین موضوعاتی باشد که اتحادیه اروپا خواهد پیش ببرد و برای پیتر مایکار نخست‌وزیر جدید مجارستان باید آسان باشد که بگوید بله. مقامات اتحادیه اروپا انتظار دارند که پس از روی کار آمدن دولت جدید مجارستان در ماه آینده، تحریم‌هایی را که تعداد محدودی از شهرک‌نشینان افراطی را هدف قرار می‌دهد دوباره فعال کنند.»

ایتالیا و تعلیق همکاری نظامی

جورجیا مولونی نخست‌وزیر ایتالیا، از نزدیک‌ترین دوستان اسرائیل در اروپا محسوب می‌شد. او یکی از چند رهبر راست بود که روابط نزدیکی با بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برقرار کرده بود. در همین راستا، مولونی همواره برخلاف افکار عمومی در کشورش عمل می‌کرد؛ این در شرایطی بود که ایتالیا همواره شاهد گسترده‌ترین اعتراضات اروپا علیه جنگ‌های



AFP



هفته گذشته

بیش از ۳۹۰

نفر از سفیران

و مقامات

ارشد اتحادیه

اروپا از این

نهاد خواستند

که توافق‌نامه

شراکت میان

اتحادیه اروپا و

رژیم اسرائیل

را به‌طور کامل

یا جزئی

تعلیق کند

اسرائیل بوده است؛ به طوری که در فضای سیاسی این کشور در سراسر طیف سیاسی، از جناح چپ تا میانه‌راست، طرفداران فلسطین حضور داشتند. با این همه مولونی هم کم شروع به فاصله گرفتن از رژیم اسرائیل کرده تا جایی که رم با برداشتن گامی قابل توجه توافق‌نامه همکاری دفاعی با اسرائیل را به حالت تعلیق درآورد؛ با روزنامه گاردین آن را «هشدار آشکار» توصیف کرد.

این تغییر تا حد زیادی ناشی از فشارهای داخلی است؛ به طوری که لوزرو کاستلانی، تاریخ‌نگار سیاسی، اشاره کرده است که سیاست خارجی ایتالیا به دلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی مستقیم درگیری در خاورمیانه، برای نخستین‌بار از زمان جنگ جهانی دوم به موضوعی محوری در افکار عمومی این کشور تبدیل شده است.

اسپانیا و تضعیف توافق‌نامه شراکت

در اسپانیا تنش دیپلماتیک با اسرائیل در ۱۹ آوریل ۲۰۲۶ به اوج خود رسید، زمانی که پدرو سانچز نخست‌وزیر اسپانیا، لحن خود علیه رژیم صهیونیستی را تندتر کرد. طبق آنچه وب‌سایت پولیتیکو گزارش کرده است، پدرو سانچز از اتحادیه اروپا خواست «توافق‌نامه شراکت» با اسرائیل را پایان دهند؛ توافقی که چهارجوب حقوقی تنظیم‌کننده روابط تجاری و سیاسی میان دو طرف است.

جنگ افروزی ترامپ علیه ایران، چگونه ائتلاف فرآتلانتیکی را به مرز فروپاشی مفهومی رساند؟

ناتو، گروگان رئیس ناتو!



عمل موظف به اعزام نیرو و پرداخت هزینه هستند، اما مشخص نیست که اگر روزی مثلاً یک کشور اروپایی مورد حمله قرار گرفت، آیا آمریکا به همان شدت و یکبارگی واکنش نشان می‌دهد یا نه؟

آنان به بالکان و تهدیدات امنیتی شرق اروپا استناد می‌کردند که واشنگتن نسبت به آنها به اندازه کافی تعهد عینی و عملی نشان نداده است. جالب اینجاست که پس از آن مقطع، تاریخ چند بار دیگر نیز این ترس را تأیید کرد. تفسیرپذیری ماده ۵ و اقدامات خودسرانه و بدون مشورت آمریکا نیز از دیگر محورهای اعتراض و نگرانی اعضای اروپایی ائتلاف در آن مقطع و بعد از آن بود؛ به‌مانند که در نظر برخی از اساتید حقوق و روابط بین‌الملل، اساساً مأموریت‌های عراق، خارج از منطق و روح ماده ۵ بودند و آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، از فضای همدردی و همبستگی ناتو برای پیشبرد اهدافی فراتر از دفاع جمعی استفاده می‌کرد!

افغانستان و عراق به راه انداختن، با اینکه ناتو در این جنگ‌ها-خصوصاً در افغانستان و با رهبری ایساف- حضور عملیاتی داشت، اما در همان هنگام هم پرسش‌های انتقادی خطیری خاصه علیه یک‌جانبه‌گرایی آمریکا- مطرح شد.

در آن دوران، طیف‌های متنوعی از سیاستمداران، تحلیلگران امنیتی و روشنفکران اهل کشورهای عضو ناتو، نسبت به یک‌جانبه شدن تعهدات به سود آمریکا، آن‌هم بدون ارائه شفافیت کافی از سوی واشنگتن هشدار دادند. آنها اولاً نگران بودند که ناتو تبدیل به ابزاری برای سیاست خارجی ایالات متحده شود و ثانیاً هشدار می‌دادند که مأموریت‌های افغانستان و عراق بیش از آنکه از چهارجوب دفاع جمعی (ماده ۵) ناشی شده باشند، برگرفته از تصمیم‌های محوری دیگر اعتراضات، ترس از فقدان تناسب و تعادل در نظام حقوقی و وظایف بود. اروپایی‌های منتقد، متعهد بودند که کشورهای عضو، در

تلاش اروپا برای رهایی؟

با اینکه تعلیق تفاهم‌نامه دفاعی بیشتر نمادین به نظر می‌رسد تا ماهوی اما به گفته دیپلمات اروپایی، این اقدام یک «هشدار روشن» به صهیونیست‌ها محسوب می‌شود.

روابط سیاسی با اشغالگران فلسطین روزبه‌روز برای رهبران اروپایی پرهزینه‌تر می‌شود. تأثیر جنگ‌های منطقه‌ای بر اروپا و اتحاد نزدیک نتانیاو با دونالد ترامپ که به‌طور مداوم به اروپا حمله می‌کند، فرهنگ و ارزش‌های آن را تحقیر می‌کند، اقتصادش را تضعیف می‌کند و حتی تهدید به حمله کرده است، شهادی بر این ادعاست. بسیاری از اروپایی‌هایی که خواستار اقدامات شدیدتر علیه اسرائیل هستند، می‌گویند ارزش‌های بنیادین اروپا در معرض خطر است. باسکاله فرارا، دیپلمات سابق ایتالیا در همین رابطه گفته است: «نبود اقدامات معنادر علیه رژیم اسرائیل، در مقامات با تحریم‌های گسترده‌ای که علیه روسیه اعمال شده، نگرانی‌هایی درباره استانداردهای دوگانه ایجاد کرده و می‌تواند اعتبار بین‌المللی اتحادیه اروپا را تضعیف کند.»

با این حال، به نظر می‌رسد که شاید فقط آلمان است که همچنان موضعی سرسختانه علیه رژیم اسرائیل نگرفته است؛ اما این موضع نیز در

حالت تغییر است. از زمان جنگ غزه، افکار عمومی در آلمان مانند ایتالیا، از حمایت سرسختانه برلین از اسرائیل خشمگین است و بیشتر رأی‌دهندگان آلمانی منتقد سرسخت رژیم هستند.

سانچز در یک گردهمایی بزرگ در منطقه آندلس گفت: «دولتی که قوانین بین‌المللی یا اصول اتحادیه اروپا را نقض می‌کند، نمی‌تواند شریک محسوب شود.»

او همچنین خواستار توقف تصمیم‌ناتانیاو و پایان دادن به جنگ‌هایی شد که منطقه غرب آسیا درگیر آن شده است. نخست‌وزیر اسپانیا درباره آتش‌افروزی این رژیم در غرب آسیا گفت: «این جنگ که یک شبهه بزرگ است، نه‌تنها جان هزاران انسان را گرفته، بلکه میلیون‌ها آواره در سراسر غرب آسیا و میابادها یورو زبان اقتصادی به همراه داشته و بر مخارج مردم عادی کشور ما نیز اثر داشته است. به همین دلیل از کسانی که این جنگ را شروع کردند می‌خواهم جلوی آن را بگیرند و در برابر ناتانیاو بایستند.»

بود، جنگ‌افروزی امروز ترامپ علیه ایران و توقعات روزافزون او از ناتو، نشانه جزئیاتی به‌مراتب عمیق‌تر، یعنی ازاله مفهومی «پیمان آتلانتیک شمالی» تلقی می‌شود؛ فرصتی نبوده که چهره‌های ارشد کابینه راست‌گرای دولت آمریکا، ازجمله خود ترامپ، ونس، روبیو و هگست با اظهاراتی تحقیرآمیز، اصل این پیمان را در هم نگویند و فراتر از لفاظی و توهین، در عمل نیز اعضای ناتو، شاهد تهدیدات و تصمیمات آمریکا‌هایی‌ها در نقض خود این پیمان، ازجمله تهدید به تصرف گرینلند و رها کردن جبهه اوکراین هستند.

حال، در بصوحه این تهدیدات و نقض تعهدات، دولت ترامپ به تبعیت از بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل، جنگی علیه کشوری هزاران مایل دورتر از اطلس را به راه انداخته و این در حالی است که مورد تهاجم آن کشور هم قرار نگرفته است که حداقل به بهانه ماده ۵، بتواند اعضا را به لحاظ قانونی، نسبت به مشارکت در جنگ قانع کند. علاوه بر اینها و همزمان با مواردی که ذکر شدند، ترامپ از اعضای ناتو توقع دارد که وارد این جنگ فاقد پشتوانه عقلانی و سیاسی شوند.

طرح این توقعات همچنین در حالی صورت می‌گیرد که منتقدان تصمیم ترامپ عقیده دارند که اگر جنگ افروزی آمریکا علیه ایران، قرار است نظام ائتلاف فرآتلانتیکی را تضعیف کند، حتی در صورت احتمال پیروزی نیز یک پیروزی می‌ارزش و بوچ خواهد بود؛ چراکه اتحادی را از بین برده که به مدت ۸ دهه، منبع حقیقی قدرت و نفوذ و امنیت آمریکا بوده است. در دو سوی اقیانوس اطلس، دیگر مباحث بر سرزنت و زیبای فلسفه اخلاقی آنگلو ساکسون و سودمندی قدرت و مباحثی از این دست نخواهد بود، حتی بر سر مشکلات امنیتی و وجودی هم نخواهد بود، بلکه تاریکی هویتی‌ای که آمریکای ترامپ بر آنها تحمیل کرده، باعث می‌شود که بحث از این به بعد پیرامون معناداری یا بی‌معنایی عبارت «پیمان آتلانتیک شمالی» باشد؛ شبیه عبارت «امپراطوری مقدس روم» که به قول ولتر نه امپراطوری بود، نه مقدس بود و نه رومی! گوئی جغرافی دانان مسلمان حق داشتند سده‌ها قبل، اطلس (آتلانتیس) را «بحر ظلمت» بنامند.

بدون روتوش



محمدمحسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطین

افکارسنجی صهیونیست‌ها پس از ۵۰ روز جنگ

پس از آغاز آتش‌بس دو هفته‌ای میان ایران و آمریکا، نظرسنجی‌های مختلفی در فضای عبری منتشر شده است. مهم‌ترین آنها نتایج مؤسسه‌ای مانند مرکز مطالعات امنیتی ملی اسرائیل، دانشگاه عبری قدس، شبکه معاویو و مرکز نظرسنجی کانال ۱۲ است. در این یادداشت برای درک صحیح از فضای عبری، نظرسنجی‌ها را بررسی خواهیم کرد. اولین سؤال نظرسنجی‌ها موافقت یا مخالفت با توقف جنگ بوده است. براساس افکارسنجی‌ها دست‌کم ۶۰ درصد صهیونیست‌ها مخالف توقف جنگ بودند و از تداوم تجاوز آمریکایی-اسرائیلی علیه ایران حمایت می‌کردند. این مسأله در خصوص لبنان بیشتر و در برخی نظرسنجی‌ها تا ۹۰ درصد هم افزایش می‌یابد.

سؤالی که ایجاد می‌شود این است که اشتیاق به تداوم جنگ ناشی از عدم ضربه‌پذیری است یا مسأله دیگری؟ چند نظرسنجی نتایج تقریباً یکسانی را برای این سؤال نشان می‌دهد و مسأله صهیونیست‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی، در وهله اول عدم رضایت از نتایج جنگ و درکشان از آسیب به برنامه‌های موشکی، هسته‌ای و تحقق تغییر نظام در ایران و آینده وضعیتشان است.

به طور مثال در نتایج مرکز INSS آمده است که تنها ۳۱ درصد معتقدند که نظام ایران آسیب دیده است، این در حالی است که این تصور در هفته اول جنگ حدود ۷۰ درصد بوده است. این تغییر نگرش در خصوص توان موشکی ایران هم صادق است و تصور آسیب دیدن برنامه بالستیک ایران در هفته اول ۷۳ درصد بود، اما پس از آتش‌بس ۳۰ درصدی کاهش یافته است.

این برداشت در نظرسنجی‌های دیگری مثل دانشگاه عبری قدس از طریق دیگری هم نمود یافته است. پاسخ‌دهندگان در خصوص ارزیابی‌شان از عملیات نظامی نتایج جالبی دارند: ۱۰ درصد عملیات نظامی را موفق، ۲۸ درصد موفقیت نسبی، ۳۰ درصد نه شکست نه موفقیت و ۲۳ درصد هم شکست کامل دانسته‌اند؛ ارقامی که نشان می‌دهد در مجموع احساس مخالفت از رضایت پیشی دارد و دلیل مخالفت آتش‌بس بودن هم در همین راستاست. جالب است براساس نظرسنجی دانشگاه عبری قدس بیش از ۷۸ درصد رسیدن به توافق را بعید یا کم می‌دانند. شاید بتوان گفت فضای غالب عبری‌ها چه در کارشناسان و چه افکار عمومی، دور از در دسترس بودن توافق میان آمریکا و

همچنین براساس نظرسنجی معاویو تنها ۳۰ درصد ائتلاف آمریکا-اسرائیل را پیروز جنگ می‌دانند و ۴۰ درصد هیچ طرفی را پیروز نمی‌خوانند و ۳۰ درصد هم ایران را انتخاب کرده‌اند. این نتایج نظرسنجی مشهور پولیتیکو از آمریکا‌هایی‌ها که با واکنش ترامپ هم روبه‌رو شد، بهتر است. آمریکایی‌ها تنها ۱۵ درصد‌شان معتقدند که به اهداف جنگ رسیده‌ایم و ۴۰ درصد معتقدند نرسیده‌ایم و نخواهیم رسید.

همچنین نظرسنجی دیگری نشان می‌دهد ۷۵ درصد صهیونیست‌ها معتقدند اگر در این مرحله آتش‌بس شود، این به معنی بازگشت دوباره قدرت ایران در آینده است. رقمی که از مخالفت صهیونیست‌ها با راه‌حل آتش‌بس با ایران و البته فهم غیرمستقیمشان از نتایج جنگ تاکنون در نشان می‌دهد.

یکی از خروجی‌های دیگر نظرسنجی‌ها، عدم رضایت از عملکرد نتانیاو است. البته نوع تحقق آتش‌بس و سپس تسری آن به لبنان، برخلاف موضع‌های پرتردد ناتانیاو در این نتایج بی‌تأثیر نبوده است. براساس نظرسنجی مرکز مطالعات امنیت ملی، رضایت از نتانیاو ۳۲ درصد، شبکه آی عبری ۵۴ درصد و نتایج دانشگاه عبری قدس ۳۵ درصد است. نتانیاو در مقایله ایال زیمیر رئیس ستاد کل ارتش و کاتز وزیر جنگ، نتایج ضعیف‌تری را کسب کرده است. نتایجی که توقف در این مرحله را برای نتانیاو غیرمطلوب می‌سازد. در جمع‌بندی نظرسنجی‌ها و پاسخ‌های افکار عمومی اسرائیل به وضعیت امنیتی، احساسشان از امنیت اسرائیل در آینده و احتمال جنگ دوباره با ایران می‌توان گفت که فضای غالب اسرائیل بر تداوم جنگ اصرار دارند و این اصرار نه از احساس پیروزی یا قدرت نمایی و تغییر روند، بلکه ناشی از عدم دستیابی به هدف اصلی است.